ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰- شماره ۶۷۵۹

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

WWW.INN.IR

info@inn.ir

یادداشت

علی بابازاده

پایان داستان بوفون در یوونتوس

وفاداری به بانوی پیر، تا آخر!

اوآخرین نفربود! گویا دیگر قرار نیست بازیکنانی از جنس جیانلوئیجی بوفون به دنیای فوتبال معرفی شوند؛ بازیکنانی بیشتر از یک فوتبالیست معمولی، که شوق و علاقه‌شان به تیمی که در آن توپ می‌زنند، فراتر از قراردادهای کاغذی و دفتری بود. داستان بوفون ویوونتوس هیچ فصلی برگرفته از مسائل مالی، حواشی، واختلاف نظر را به خود ندید و پیوند میان این دو برگرفته از روابطی عمیق و قلبی بود؛ فوتبال ایتالیا بازیکنان وفادار و متعصب فراوانی را به خود دیده و به جرأت می‌توان گفت که در تمامی کشورهای فوتبال دوست دنیا، این مردمان سرزمین چکمه هستند که عشق به باشگاه مورد علاقه‌شان را با هیچ پیشنهاد بهتری معاوضه نمی‌کنند؛ باشگاه‌های ایتالیایی با عنصر غرور و تعصب خو گرفته‌اند و اگر جالوروسی، به مهاجم و هافبک افسانه‌ای خود، فرانچسکو توتی و دانیله دروسی می‌بالد، طرفداران نراتزوری و باشگاه اینتر، از خاویر زانتی به عنوان نماد عشق و علاقه یاد می‌کنند! میلان دهه ۲۰۰۰ تحت سلطه پائولو مالدینی و الساندرو نستا بود و هستند؛ نفرات دیگری که قید حضور در باشگاه‌های رقیب را زده و به قراردادهای قلبی شان پایبند ماندند.

برای بانوی پیر اما شرایط متفاوت است؛ باشگاه پس از خداحافظی الساندرو دل پیرو از شهر تورین، آخرین نفر، وتنها بازمانده نسل وفاداران را در خود جای داده بود و بوفون با تعهد خود، بار دیگر شعار همیشگی یووه را عملی کرد و «تاآخر» در کنار سفیدوسیاه‌ها باقی ماند. عصر سه‌شنبه رسانه‌های معتبر اعلام کردند دروازه‌بان ۴۳ ساله ایتالیایی که در انتهای فصل قراردادش با یوونتوس به پایان می‌رسد، تصمیم به جدایی گرفته و پس از یک سال نیمکت نشینی در مصاف با وویچک شزنی لهستانی، قرارداد جدیدی به امضا نخواهد رساند؛ بوفون در فصل جاری از سری رقابت‌های سری آ ایتالیا تنها در هفت مسابقه از سوی آندره پیرلو به کار گرفته شده و بعد از سال‌ها حضور در ترکیب ثابت، به عنوان گلر دوم یوونتوس شناخته می‌شود.

کاپیتان تیم ملی ایتالیا در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان، از ماه‌ها قبل به اتخاذ چنین تصمیمی فکر کرده بود؛ «هر آغازی پایانی هم دارد و اکنون زمان پایان دومین دوره حضورم در یوونتوس فرا رسیده؛ تصمیمی که گرفته‌ام آسان نبود اما روی آن مدت‌ها فکر کردم. قطع این ارتباط و دوری از باشگاه محبوبم سخت بود و می‌دانید که یوونتوس جایی است که داستان من، شادی‌ها و اشک‌هایم در آن رقم خورد. یوونتوس خانه من است اما حالا وقت رفتن فرا رسیده؛ از همه شما هواداران تشکر می‌کنم و با افتخار می‌گویم که برای یووه، همه چیزم را دادم و بیشتر از آن، دریافت کردم!»

وقتی اولین مسابقه رسمی، و حرفه‌ای خود را در سال ۱۹۹۵ برگزار کرد، تصور چنین کارنامه و آینده درخشانی دور از ذهن به نظر می‌رسید؛ نراتزوری همواره از نعمت دروازه‌بان‌های مطمئن و افسانه‌ای برخوردار بوده و تاریخ فوتبال لاجوردی پوشان، بزرگان زیادی را در این پست به خود دیده. در کشوری که سباستینو روسی، دینوزوف، آنجلوپروتزی و فرانچسکو تولد و پرورش یافته‌اند، پیش‌بینی بر روی آینده یک جوان هفده ساله منطقی نبود! بوفون در سال ۲۰۰۱ میلادی طی انتقالی پرسر و صدا، با مبلغ ۳۷ میلیون یورو از پارما، راهی تورین و باشگاه یوونتوس شد؛ عملکرد جیانلوئیجی رانه با تعداد کلین شیت‌ها و جام‌های به دست آورده، بلکه به واسطه تعصب، غرور و وفاداری او قضاوت می‌کنند. روزهایی که تیم ملی ایتالیا برای برگزاری مراحل پایانی جام جهانی در کشور آلمان حضور داشت، رسوایی‌های کالچوپولی رسانه‌ای شد و خبر مذاکرات پشت پرده تیم‌هایی چون میلان، رجینا و یوونتوس با کمیته داوران سری آ حواشی زیادی به راه انداخت. برملا شدن هماهنگی‌های غیرقانونی در جهت انتخاب داوران مسابقات، روند فوتبال در ایتالیا را عوض کرد و در میان حجم انبوهی از محرومیت‌ها و جریمه‌ها، یوونتوس به سری بی فرستاده شد. اتفاق قابل پیش‌بینی رخ داد و بعد از اجرای این حکم، بخش بزرگی از ستارگان بانوی پیر به سایر باشگاه‌های ایتالیایی واسپانیایی پیوستند. فابیو کانا وارو، پاتریک ویرا، جیانلوکا زامبروتا و لیلیان تورام حاضر به رقابت در دسته پایین‌تر نشده و به فکر جدایی افتادند. بوفون جولای ۲۰۱۸ تا جولای ۲۰۱۹ را به فرانسه و پاریس نقل مکان و اولین دوره از ترک تورین را در باشگاه پاری سن ژرمن سپری کرد؛ قهرمان ۹ دوره لیگ ایتالیا اما، پس از رسوایی‌های کالچوپولی قید باشگاه محبوب خود را زد و با ماندن در یوونتوس، بازگشت مجدد به سری آ را جشن گرفت. کارنامه پر از افتخار بوفون قهرمانی متعددی همچون لیگ ایتالیا، جام حذفی، جام جهانی و سوپرجام ایتالیا را در خود جای داده و حالا که خبر جدایی‌اش در پایان فصل به گوش همگان رسیده، مشتریان جدیدی برای جذب او اعلام آمادگی کرده‌اند؛ توتو اسپرت نوشته باشگاه‌های المپیاکوس یونان، آینتراخت فرانکفورت، اسپورتینگ لیسبون، دینامو کیف اوکراین و گالاتا سرای ترکیه، حاضرند با قراردادی یک ساله بوفون را جذب کنند. شایعاتی مبنی بر بازگشت او به باشگاه پارما هم به گوش رسیده و باید منتظر ماند و دید در نهایت چه اتفاقی برای یکی از برترین دروازه‌بان‌های تاریخ فوتبال خواهد افتاد. بوفون ویوونتوس از کنار یکدیگر به روزهای طلایی و عناوین بی‌شماری رسیده‌اند ولی، بالاتر از تمامی افتخارات، این فوتبال است که بخشی از محبوبیت خود را مدیون «آخرین نفر» از نسل بازیکنان وفاداراست!

عکس روز

اردوی تیم ملی زنان

سرانجام پس از ۲ سال تعطیلی، اردوی انتخابی تیم ملی فوتبال جوانان و بزرگسالان بانوان از ۲۱ تا ۲۷ اردیبهشت در مرکز ملی فوتبال آغاز شد. سرمربی تیم بزرگسالان مریم ایراندوست و سرمربی جوانان مریم آزمون است. تیم ملی بزرگسالان بانوان، خود را برای مسابقات قهرمانی آسیا در تابستان امسال آماده می‌کند.

کاریکاتور

منچسترسیتی برای پنجمین بار در ۹ سال اخیر به قهرمانی لیگ برتر انگلیس رسید. اتفاقی که در اوایل شروع دهه گذشته کمتر کسی فکرش را می‌کرد. گواردیولا از وقتی به انگلیس آمده ۳ بار قهرمان شده و به گفته خودش این لیگ سخت‌ترین لیگ دنیاست.

در چنین روزی

۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۴

میراسماعیلی در آسیا دوم شد

«آرش میراسماعیلی» جودوکار ملی پوش وزن ۶۶ کیلوگرم ایران با شکست مقابل حریف خود از مغولستان به مقام دوم آسیا رضایت داد.

میراسماعیلی که در گروه آسانی قرار گرفته بود، با سه پیروزی مقابل حریفان بسیار ضعیفی از کشورهای امارات متحده عربی، سوریه و تایوان به راحتی به دیدار نهایی مسابقه‌های جودوی قهرمانی بزرگسالان آسیا در ازبکستان راه یافت و یکشنبه شب، در دیدار فینال، شکست را مقابل جودوکار مغولستان پذیرفت و به مدال نقره بسنده کرد.

همچنین «محمود میران» جودوکار فوق سنگین تیم ایران در دیدار رده بندی وزن آزاد (اوپن) موفق شد جودوکار تاجیکستان را شکست دهد و به مدال برنز دست یابد.

تیم ملی جودو ایران، شنبه شب در نخستین روز این رقابت‌ها توسط «محمدرضا رودکی» جودوکار جوان و بی ادعای خود در وزن به اضافه ۱۰۰ کیلوگرم صاحب مدال خوش رنگ طلا شد.

پیروزی جودوکار سنگین وزن جوان ایرانی در دیدار فینال مسابقه‌های جودوی قهرمانی بزرگسالان آسیا در ازبکستان مقابل جودوکار ژاپنی، ارزش مدال طلای او را نشان می‌دهد.

تک به تک

سامان موحدی راد

یک «هیچکس» به تمام معنا در ورزش ایران

کاشکی، کاشکی، داوری، داوری، داوری...

احمد شاملو در منظومه «در آستانه» شعری درخشان درباره مرگ دارد که در بخشی از آن می‌گوید:

«ـ دریغا
ای کاش ای کاش
قضاوتی قضاوتی قضاوتی
درکار درکار درکار
می‌بود!»

شاید این شعر و برخی از بندهایش بهترین توصیف درخصوص وضعیت مدیریت ورزشی در ایران باشد؛ از مهدی تاج با قرارداد تاریخی‌اش با مارک ویلموتس بگیر تا احمد سعادتمند و به خاک سیاه نشاندن استقلال. همیشه و همیشه این تیم‌ها و نهادها بودند که از حضور این مدیران ضربه خورده‌اند. باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها و نهادهای ورزشی متحمل هزینه شدند اما مدیران با خیال راحت کیف‌شان را برداشتند و به صندلی بعدی رفتند. احمد سعادتمند و امیرحسین فتحی دو مدیری که در سه سال اخیر بدترین روزهای استقلال را رقم زدند، بدون هیچ توضیحی از مدیرعاملی این باشگاه‌ها به جاهای دیگر رفتند. سعادتمند تازگی‌ها نامزد ریاست فدراسیون ژیمناستیک هم شده و لابد رزومه درخشانش در مدیریت استقلال او را به اندازه کافیِ شایسته احراز این پست کرده. چرا که قبل استقلال تقریباً کسی او را نمی‌شناخت و یک «هیچکس» به تمام معنا در ورزش ایران بود. به استقلال آمد روی صفحه اینستاگرامش مانور داد و استقلال را در آستانه فتح جام حذفی درگیر احمقانه‌ترین بحران ممکن کرد و از این تیم رفت. جام از کف استقلال پرید، تماشاگران باز هم سرخورده شدند و استعدادهای زیادی که به این تیم آمده بودند ناامید، اما تنها کسی که امیدش را از دست نداد احمد سعادتمند بود. او حالا با اسم و رسمی که برای خودش ساخته بود می‌رود تا صندلی ریاست فدراسیون ژیمناستیک را مال خود کند چون در سیستمی که عقوبتی برای مهدی تاج، امیر حسین فتحی، احمد سعادتمند و رسول‌پناه نباشد، آدم‌ها با جرأت و شجاعت بیشتری برای صندلی‌های مدیریتی خیز برمی‌دارند. چرا که سیستم مدیریت ورزشی همین‌ها را می‌خواهد. آدم‌هایی که عذاب وجدانی از کارهای کرده‌شان نداشته باشند.

رشته توئیت

سام ستارزاده

کتاب باز سفرهای نافرجام سعادتمند

ملخ افتاده توی خرمن گندم

در تب‌وتاب شهرآورد نود و پنجم، خبر کاندیداتوری مدیرعامل سابق آبی‌های پایتخت برای ریاست فدراسیون ژیمناستیک لابه‌لای تیترهای درشت مربوط به سرخابی‌ها محو شده. نامزدی احمد سعادتمند برای تصاحب صندلی اصلی چنین نهاد ورزشی معتبری اگر به‌خوبی در فضای رسانه‌ای کشور برجسته می‌شد، پیام‌آور یک حقیقت غمناک از مدیریت ورزشی کشور بود؛ این‌که شما بابت عملکرد ناشایست خود در سمت‌های قبلی، هیچ‌گاه مورد بازخواست قرار نمی‌گیرید. احمد سعادتمند در حالی در آستانه قبول یک مسئولیت بزرگ است که کمتر از یک ماه پیش، سندی در رسانه‌های ورزشی کشور منتشر شد که ثابت می‌کرد چک ضمانت‌داری که به امضای وی رسیده بود، باشگاه استقلال را ۳۰۸ هزار درهم جریمه کرده بود. این بدهی اولین پس‌لرزه دوران شش‌ماهه حضور سعادتمند در ساختمان سعادت‌آباد نبوده و قطعاً آخرین آنان نیز نخواهد بود. اصلاحاتی که وی در قرارداد بازیکنانی نظیر عارف غلامی، فرشید اسماعیلی و مهدی قایدی ایجاد کرده، آثار سوء خود را در تابستان سال جاری نشان خواهد داد. اکثریت هواداران استقلال، سعادتمند را مقصر جدایی فرهاد مجیدی در آستانه فینال جام حذفی می‌دانند؛ داستانی که در آن مدیرعامل وقت استقلال، یک جام قهرمانی را با وعده بی‌سرانجام بازگشت آندره آ استراماچونی به نیمکت سرمربیگری آبی‌ها معامله‌کرد. بعدها نیز، خود سرمربی محبوب ایتالیایی هرگونه مذاکره با سعادتمند و کادر مدیریتی وی را از طریق اینستاگرام تکذیب کرد؛ آن هم به زبان فارسی. اکنون، نه ابهامات مربوط به ماجرای استراماچونی و نه اتهامات تأیید نشده و بزرگ سعادتمند به بازیکنان استقلال نظیر خرید و حمل قلیان، هیچ‌کدام شفاف‌سازی نشده‌اند و شاید استقلالی‌ها هیچ‌گاه در نهایت به پاسخ سؤالات متعددی که درباره چنین اتفاقاتی در سرشان دارند، نرسند.

قصد بازگو کردن ابهامات و فجایع استقلال سعادتمند نیست؛ بلکه این است که بدون پرداختن به چنین مسائلی و فارغ از نام سعادتمند، به مدیری که تنها شش ماه در باشگاهی به بزرگی استقلال دوام آورده و دستاورد قابل توجهی نیز در این مدت بر جای نگذاشته، همچنان تریبون داده می‌شود، از او برای مناظره با مدیران فعلی باشگاه نیز دعوت به عمل آورده می‌شود و حتی در جمع‌هایی، نامش «سعادتمند» خوانده می‌شود.

ما با عینک خوش‌بینی به سعادتمند نگاه می‌کنیم و فرض می‌کنیم وی در دوران مدیریت عامل خود در استقلال دست به هیچ‌گونه منفعت‌طلبی شخصی نزده اما حتی در این صورت، نمی‌توانیم چشم بپوشیم که این سمت، سعادتمند را از یک مدیر گمنام در تیم والیبال بانک سرمایه با سابقه عدم اتخاذ رأی برای ریاست فدراسیون‌های پینگ‌پنگ، اسکی، وزنه‌برداری، هندبال و نجات غریق، تبدیل به فردی محبوب با ۸۷ هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام کرد. در همین شبکه اجتماعی، وی هر از گاهی با انتشار پیام‌های بلندبالا و وعده افشای حقایق، توجه هواداران استقلال را به خود جلب می‌کند.

اخیراً سعادتمند حتی قول انتشار کتابی در مورد واقعیت‌های ناگفته باشگاه استقلال را به طرفدارانش داده اما ماجرای خود وی به‌تنهایی یک کتاب باز است از مدیرانی که خیالشان بابت اشتباه در هر منصبی آسوده است. کتاب داستانی که با هر بار خوانده شدن آن، شاید نام‌هایش تغییر یابند اما اصل ماجرا همواره ثابت است و بر علیه سلامت فضای مدیریت ورزشی کشور.

گزارش یک

میعاد نیک

پرونده

چرخه بی‌پایان بی‌کفایت‌ها در مدیریت ورزش

تا بی‌نهایت زیرِ صفر!

یکی از مهم‌ترین معضلاتی که مجموعه ورزش کشور طی سال‌های اخیر با آن مواجه شده و هرگز هم راهی برای مقابله نداشته، مسأله تکرار مدیران منفعل و بی‌کفایتی است که از یک صندلی به صندلی دیگر منتقل شده و هرگز از چرخه تصمیم‌گیری کلان در حوزه‌های مختلف ورزشی منفک نمی‌شوند. تکرار استفاده از افراد معلوم‌الحال که بارها با تفکرات دمُده و قصورهای سرنوشت‌ساز باعث عمیق‌تر شدن هرچه بیشتر چاهِ بدبختی ورزش شده‌اند، کار را به‌جایی رسانده که هیچ آب‌توبابی در هیچ‌کدام از ارکان ورزش ایران باقی نماند و تمام سیستم جامعه ورزش تبدیل به منجلابی شود که فساد، رانت، بی‌کفایتی و تباهی را پرورش داده.

اسامی به‌مرور تغییر می‌کنند اما سیستم فکری و نگرش جمعی همانی است که بوده. مدیرانی که به واسطه ارتباطات اقتصادی و سیاسی با مسئولین ورزش کشور وارد این گود می‌شوند، فضای ورزش را کم‌التهاب‌تر و امن‌تر از اتمسفر سیاسی و اقتصادی نظام حاکمیتی دانسته و اندک‌اندک هم هوای ورزش به مشام‌شان خوش می‌آید. این کنگر خوردن‌های بیشمار همانا و لنگر انداختن‌های نامتناهی هم همانا تا کار به اینجا برسد که یکی از بدترین مدیران تاریخ باشگاه استقلال، جایگاه خودش را در حد ریاست بر یک فدراسیون مهم المپیکی تصور کند.

حتی اگر پای عملکرد بد احمد سعادتمند هم درمیان نبود، باز هم حضور او در انتخابات ریاست فدراسیون ژیمناستیک هیچ توجیهی نداشت. مدیرعامل اخراجی باشگاه استقلال که پیش از حضورش در ساختمان گرانیتی خیابان علامه جنوبی در وزارت ورزش و جوانان مشغول به‌کار بوده، از هیچ تلاشی برای رسیدن به کرسی ریاست یک موقعیت مهم ورزشی دریغ نکرده و دریغا که در تمام تلاش‌های مذبوحانه‌اش هم به طرز غریبی ناموفق و مغلوب بوده تا ابرو باد و مَه و خورشید و فلک با زبان خودشان به او بفهمانند که عرصه سیمرغ جولان‌گه مناسبی برایش نیست.

کافی است تا به سابقه درخشان آقای سعادتمند در انتخابات‌های چندین فدراسیون مختلف ورزشی بنگریم تا متوجه شویم که حتی کوچک‌ترین مجامع هم به او اعتمادی ندارند. فدراسیون‌های مهمی مانند کشتی، فوتبال، تکواندو و کاراته که هندوانه‌ای بسیار بزرگ‌تر از دستان لرزان اوست اما او حتی نتوانسته اعتماد مسئولین کم‌اهمیت‌ترین فدراسیون‌ها را جلب کند و با کوله‌باری از ناکامی و تبعیض، حالا برای کرسی ریاست فدراسیون ژیمناستیک دورخیز کرده. رفتار شگفت‌آور و بدیع برخی از مسئولین بلندپایه وزارت ورزش و جوانان در مجامع انتخاباتی برخی فدراسیون‌های ورزشی و منسوب شدن برخی نامزدها به معاونین این وزارتخانه طی ماه‌های اخیر، نشان از پررنگ‌تر شدن شائبه‌های مهندسی انتخابات در اتاق‌های عمارت خیابان سئول دارد و با دقتی به پشتوانه کاری احمد سعادتمند در دفتر امور استعدادیابی این وزارتخانه، این تردیدها رنگ و بویی از یقین به خود می‌گیرند.

اما اکنون صحبت از این شائبه‌ها نیست، مشکل از سیستمی است که حتی ناکارآمدترین مهره‌هایش را هم عزل نمی‌کند و همیشه برای‌شان پستی درنظر گرفته. انگار که برخی‌ها با ورود به سیستم مدیریت ورزش کشور، وزارتخانه را طوری به عقد دائم خود درآورده‌اند که حتی با تغییر وزیر هم جای‌شان تکان نخورد. احمد سعادتمند و امثال او یکی از صدها مدیرانی هستند که در صحنه‌های مختلف حاضر می‌شوند.

سعادتمند فدراسیون‌های مهمی مانند کشتی، فوتبال، تکواندو و کاراته که هندوانه‌ای بسیار بزرگ‌تر از دستان لرزان اوست اما او حتی نتوانسته اعتماد مسئولین کم‌اهمیت‌ترین فدراسیون‌ها را جلب کند و با کوله‌باری از ناکامی و تبعیض، حالا برای کرسی ریاست فدراسیون ژیمناستیک دورخیز کرده

پنالتی

مازیار گیلکان

ورزش تاکی تاب می‌آورد؟

در ورزشی که مبتنی بر خلاقیت مدیران نیست، درآمدها از کارایی مدیران خلق نمی‌شود و نقش آنها شفاف نیست و عملکردشان هم بررسی نمی‌شود، هر مدیری می‌تواند امروز از یک باشگاه ویرانه بسازد و فردا نقش دیگری را چه بسا بزرگ‌تر در جای دیگری پیدا کند.

این اتفاق تازه‌ای نیست. مدیران پرشماری بدون زیسته ورزشی صاحب نقش در ورزش می‌شوند و پس از دوره‌ای کوتاه سعی می‌کنند خود را مدیر ورزشی معرفی کنند. غم‌انگیز اینکه نقش آنها را رسانه‌ها می‌پذیرند و همدم‌شان می‌شوند.

مدیریت در ورزش به زیسته ورزشی نیاز دارد، به زندگی با آن و ورزش و به تجربیات بسیار برای اینکه بتوانند درکی دقیق از ماجراهای آن ورزش داشته باشند اما کسی برای این زیسته در ورزش ما اهمیتی قائل نیست و در انتخاب‌ها عواملی تأثیرگذارند که تردیدها و شائبه‌هایی را پدید می‌آورند.

سوابق مدیران شفاف نیست چون باشگاه‌ها و نهادهای ورزشی خصوصی نیستند که در بازار آزاد ورزش حاصل کار مدیران روشن باشد. مدیرانی که در باشگاه‌های دولتی آسیب‌های بزرگی را پدید می‌آورند، با چند مصاحبه و بزرگنمایی چند کار خود در فضاهای هواداری چه بسا خود را در نقش مدیر موفق جلوه می‌دهند و پله‌ها را بالا می‌روند.

ورزش باید عرصه مدیران علاقه‌مند و متخصص باشد، مدیرانی با سالیان سال حیات در فضای ورزش و علاقه‌مندی عمیق و جدی که منجر به مطالعه دائمی شود. این را در چند مدیر ورزشی پیدا می‌کنید؟ آنها کجا فارغ از هیاهو از ورزش حرف می‌زنند، از تغییر نگاه‌ها در ورزش حرف می‌زنند؟ مدیران بدون ایده، مدیران بدون آرزو، مدیران بدون نگاه پویا و زنده به ورزش هرگز نمی‌توانند دری تازه به روی ورزش باز کنند اما در ها به روی آنها باز می‌شود و این برای ورزش نگران‌کننده است.

ورزش به سختی مقابل اقدامات آسیب‌رسان این مدیران تاب آورده و زنده مانده است اما نمی‌دانیم ورزش تاکی تاب می‌آورد؟

فدراسیون‌های کم سر و صدا و باشگاه‌های کوچک نباید جولانگاه مدیران ضعیف‌تر باشد. آنها که در عرصه‌ای پرخبر از ورزش عملکرد خوبی ندارند، نباید در فضایی کم سر و صدا فرصت آسیب رساندن به فدراسیون یا باشگاه‌های کوچک را داشته باشند.